

## مقایسه ایزدان آب در اسطوره‌های ایران و ویتنام

دکتر ناصر نیکوبخت - دکتر سعید بزرگ بیگدلی - فونگ ووتی تامه

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

بررسی و تحلیل جهان اسطوره، پیوسته در میان محققان جایگاهی ویژه داشته و گذشت زمان هرگز از اهمیت و جذابیت آن نکاسته است. یکی از اجزای تشکیل‌دهنده جذابیت اسطوره، نوع نگاه و باور به خدایان در اقوام و ملت‌ها است. این پژوهش تنها به بررسی و مقایسه خدایان آب و ویژگی‌های آن در اساطیر ایران و ویتنام می‌پردازد. در اساطیر ایرانی - در مقایسه با اساطیر ویتنام - ایزدان آب بسیار قدرتمند و آرمانی‌تر و کاملاً مطلق هستند و صفت فرشته‌گونگی در وجودشان انکارناپذیر است. در اساطیر ویتنامی، صفت خدایی یا بهتر بگوییم فرشته‌گونگی در وجود خدایان کمتر است؛ خدایان ویتنامی هرچند همچون خدایان ایرانی فراطبیعی‌اند، صفات آنها مطلق و یک‌سویه نیست. خدایان آب ویتنامی گاه مظهر لطف و مهربانی و گاه مظهر خشونت و خشم و تباهی‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** اسطوره، ایزدان آب، تیشتر، اساطیر ایران، اساطیر ویتنام.

تاریخ دریافت مقاله: 90/1/28

تاریخ پذیرش مقاله: 91/10/4

Email: n\_nikoubakht@modares.ac.ir

### مقدمه

در فرهنگ و تمدن بیشتر ملل، از جمله ایران و ویتنام، آب عنصری بسیار مهم به شمار می‌رود؛ چون حیات عالم هستی به آن وابسته است. دشت‌ها، کشت‌ها و باغ‌ها اگر آب کافی نداشته باشد، ثمره خوب نمی‌دهد؛ بنابراین در آغاز تاریخ تمدن بشر، مردم دو کشور برای آب تقدسی خاصی قائل شده‌اند؛ چون بر اساس باورهای دینی و ملی دو ملت، همه پدیده‌های جهان از این عنصر واحد منشأ گرفته‌است؛ تا آنجا که در باورهای اسطوره‌ای، آب یکی از ایزدان، تلقی و تقدیس شده است. در این مقاله به دو پرسش اساسی پاسخ خواهیم گفت:

1. خدایان آب در ایران و ویتنام چگونه تعریف شده‌اند؟

2. نکات مشترک و متفاوت در ویژگی خدایان آب در فرهنگ ایرانی و ویتنامی کدام است؟

در اساطیر ایرانی به اسامی بعضی ایزدان آب مانند اپام نیات، ناهید و تیشتر اشاره شده و در اساطیر ویتنامی از اژدها، پادشاه آب و ایزد باران یاد شده است. وظیفه اصلی این ایزدان، نگهداری و بارش باران در سراسر جهان است. البته آنها وظایف دیگری هم دارند که در این پژوهش به آنها اشاره خواهد شد.

## ایزدان آب در اساطیر ایرانی

### اپام نیات یا بُرز ایزد

درباره ایزد اپام نیات مطالب پراکنده‌ای در کتاب‌های کهن ذکر شده است؛ اما اطلاعات زیاد و دقیقی در این باره وجود ندارد. در *اوستا* درباره این ایزد چنین آمده است:

اپام نیات همراه باد چالاک، مزدا آفریده و فرّه در آب آرام گزیده و فروشی‌های آشوتان، هر جایی از جهان استومند را بهره ویژه‌ای از آب ببخشد. (اوستا 1370: 337)

اپام نیات ایزد آب‌ها، و در *اوستا* به معنای فرزند آب‌ها است. وی در اعماق آب‌ها به سر می‌برد و آب را توزیع می‌کند. نیرومند و بلندبالا و دارنده اسب تندرو است. صفت تیزاسب همیشه با او است. او یکی از سه خدای بزرگ است که لقب «هوره» (سرور) دارد. مانند امشاسپندان درخشان است. وی روشنی و فرّه را در بن آب‌ها نگه می‌دارد. (آموزگار 1387: 22؛ بهار 1386: 475) در *زامیادیشْت* - یشتی که به نام زمین است، اما بیشتر مطالب آن مربوط به فرّه است - اپام نیات به عنوان ایزدی نیرومند و بلندقامت و دادرسی دادخواهان ستایش می‌شود و صفت تند یا تیزاسب دارد و خواسته او این است که به فرّه‌ای که در نبرد ایزد آتش با اژدهای سه پوزه بددین (ضحاک) به سوی دریای فراخکرد گریخته‌است، دست یابد. (آموزگار 1387: 22) داستان این چنین است که اهورامزدا و اهریمن برای گرفتن فرّه، تلاش فراوان کردند. هر کدام چالاک‌ترین فرستاده را برگزیدند. اهورامزدا بهمن، اردیبهشت و آتش را؛ اهریمن خشم خونین سلاح، اژدهاک و سپیتور را به این نبرد فرستادند. ابتدا، آتش آماده شد تا فرّه را به دست آرد. از سوی اهریمن، اژدهاک به دنبال او رفت و آتش را تهدید کرد:

ای آتش، پسر اهورامزدا، اگر فرّه به دست نیاوردنی را خواستار شوی، تو را نابود خواهم کرد. پس از این، تو روشنی نخواهی داد به زمین اهورا آفریده برای نگهبانی جهان‌های اشد. آنگاه آتش دو دست را پس کشید، در حالی که از خطر جان آگاه بود؛ زیرا اژدها در دل او هراس برانگیخته بود ... سپس اژدهای سه‌پوزه بدنهاد به پیش شتافت، چنین اندیشه‌کنان: این فرّه به دست نیامدنی را به چنگ خواهم آورد. (اوستا 1370: 493)

در آن کشمکش، فرّه فرصت یافت و به سوی دریای فراخکرد رفت و اپام نیات بی‌درنگ آن را برگرفت. فرّه به دریای فراخکرد جست. آن‌گاه اپام نیات تیزاسب دریافت و آرزو کرد که آن را به چنگ آورد. [با خود گفت] من این فرّه ناگرفتنی را

به چنگ آورم از تکِ دریای ژرف، از تکِ دریاهاى ژرف. (همان: 494)

در اوستا، وی ایزد نیرومند، یاری‌کننده فرمانروایان و ضد سرکشان تعریف می‌شود:  
 از این پس، اپام نپاتِ توانا، فرمانروایان کشور را نیرو بخشد و سرکشان را لگام زند. (همان: 425)

گفته‌اند آذرخشی که از دل ابرهای پر باران پدید می‌آید و آتش زمینی که گاهی از آذرخش پدیدار می‌شود، به این ایزد مربوط است. (بهار 1386 ب: 475)

افزون بر همه صفات یادشده، صفت «آفریدن» هم به او نسبت داده شده است. کتاب *اناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*، نمونه‌ای را از زامیاد یشت در بند 52 آورده است:

اپام نپات تنداسب، سرور بلندمرتبه، شاه شاهان را می‌ستاییم؛ دلیری که هر گاه خوانده شود، یاری می‌رساند. آن که مردان را آفریده است، ایزدی که از آن آب است. چون او را بستایند، بیش از همه گوش فرامی‌دهد. (گویری 1372: 46)

در متون پهلوی، لقب «بَرز» که صفت او است، نام خاص او گشته است. تیشتر، ایزد باران، نژاد از او دارد. این ایزد کم‌کم در برابر «اردوی سوره اناهیتا» رنگ می‌بازد و قدرت و ویژگی‌اش را به این ایزدبانو منتقل می‌کند. (آموزگار 1387: 22)

## ایزد ناهید

اهوره مزدا به سپیتمان زرتشت گفت: ای سپیتمان زرتشت! «اردوی سوره اناهیتا» را - که همه جا دامان گسترده، درمان‌بخش، دیوستیز و اهورایی‌کیش است - به خواست من بستای! اوست که در جهان استومند، برازنده ستایش و سزاوار نیایش است. اوست آشوتی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزون بخشد. اوست آشوتی که فزاینده گیتی است. (اوستا 1370: 297)

بر اساس آموزه‌های اوستا، اناهیتا شخصیتی بسیار برجسته است و جایگاه مهمی در آیین‌های ایران باستان دارد و مورد تمجید و ستایش مردم بوده و قدمت آن به دوره‌های پیش‌تر از زرتشت می‌رسد. در کتیبه‌های متأخر هخامنشی، از ایزد اناهیتا به نام یاد می‌شود. (بهار 1386 الف: 95) نام کامل این ایزدبانو در اوستا *Aredvi sura anahita* «اردوی سوره اناهیتا» است. این اسم مرکب از سه صفت است: «آرد» اسم رود مقدسی است و به معنی جداگانه. این معنی در فرگرد، وندیداد فقره 22 و فرگرد 7 فقره 16 به کار رفته است. در کنار این، بارتولومه معنی رطوبت و نمناکی به این واژه نسبت داده است. «سوره» (*sura*) به معنی قوی و قادر است. در زبان سنسکریت هم به معنی نام‌آور و دلیر به کار رفته است. (عرب گلپایگانی 1376: 54) «آن» (*an*) علامت نفی و «هیته» (*Ahita*) به معنی آلوده، یعنی نالوده یا پاک است. (لغت‌نامه دهخدا) به طور کلی، «اردوی سوره اناهیتا» در فرهنگ ایرانی به معنی آب‌های نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌ها روی زمین ضبط شده است. وی به شکل رودی عظیم هم ظاهر می‌شود که به بزرگی تمام آب‌های روی زمین است که از فراز کوه (البرزهکر) به دریای فراخکرت فرومی‌ریزد. اقیانوس را به جوش و خروش درمی‌آورد. رودی است که در زمستان و تابستان یکسان روان است. این رود به اندازه‌های بزرگ و وسیع است که از آن هزار رود و دریای دیگر منشعب می‌شود.

(همان) هر یک از رودها و دریا‌های آن به اندازه‌ای بلند و فراخ است که سواری تندرو در مدت چهل روز طول و دور آن را تواند پیمود. این جریان آب سراسر هفت کشور روی زمین را سیراب می‌کند. در کنار هر یک از این رودها و دریاها، قصری آراسته قرار دارد که هزار ستون خوش‌تراش و هزار دریاچه درخشان در آن جریان دارد و برای او برپا است. (بشت‌ها 1370، ج 1: 166) می‌گویند نخست اناهیتا بر رودخانه آردوی سروری داشت و کم‌کم بر همه آب‌ها سروری یافت. (آموزگار 1387: 23) «وی به عنوان تجسم آسمانی و زمینی آب در جهان‌بینی زرتشتی همان مقام را دارا است که امشاسپندان خرداد و امرداد.» (گوبری 1372: 47)

اناهیتا در بلندترین طبقه آسمان جای‌گزیده است. اهورامزدا در گره خورشید مقام او را مشخص کرده است. به فرمان پروردگار، ناهید از فراز آسمان باران و تگرگ و برف و ژاله فرومی‌بارد از اثر استغاثه پارسایان و پرهیزکاران و از فلک ستارگان یا از بلندترین قله کوه (هگر) به سوی نشیب می‌شتابد. (بشت‌ها 1370، ج 1: 167)

در باور ایرانی‌ها، اناهیتا به صورت دختری زیباچهره، بسیار برومند، با بازوان سپید، خوش‌اندام، طوقی زرین بر گردن، کمر بند در میان بسته، بلندبالا، آزاده، نژاده و شریف که کفش‌هایی درخشان با بندهایی زرین پوشیده است، جلوه می‌کند. در بالای سرش، تاجی با صد ستاره آراسته گذاشته شده و تنش با جامه‌ای از جنس پوست ببر پوشیده شده است. متن زیر بهترین توصیف از این ایزدبانو است که از او چهره‌ای مشخص و روشن به تصویر می‌کشد:

آنجا ایستاده، دیده‌شدنی

آب بانو اناهید

به کالبد کنیزی (به معنی دوشیزه، دوست داشتنی) سریرا (زیبا) زورمند، خوب‌رسته

کمر بالا بسته، بلند از چهره (تخمه) رای‌مند، آزاده.

بر دوشش تنپوشی پوشیده پُربافته (هزاربافت)، زرین بازوانش زیبا سپید، به ستهمی اسبان

بادیه و برسَم دست

با گوشواره‌های آویزان چهار کنار، زرین

مینایی، خوب آزاده (برگوش) می‌برد

آب بانو اناهید

میانش را بسته تا پستان‌هایش خوش‌کالبد شود

تا این‌سان نازنین باشد

بر سرش بساکی بسته

آب بانو اناهید

صد ستاره زرین هشت قوسی، همچو اراده  
با درفش‌های آویزان، زیبا گرداگرد، خوب کرده (خوب ساخته)  
جامهٔ بَبر بر تن دارد  
آب بانو اناهید  
از سیصد پوست بَبر  
چهار بار زاییده در زمان درست پرداخته  
چرمش درخشان دیده می‌شود چون سیم و زر  
با موزه‌ای (کفشی) تا زنگ پوشیده  
همهٔ رنگ، زرین، تابان. (مقدم 1380: 55 – 56)

به اعتقاد ایرانیان باستان، او منبع همه باروری‌ها است؛ فزاینده گله و رمه، فزاینده ثروت و سرزمین است. (بهار 1386ب: 477) این ایزدبانو نطفهٔ همه نران را پاک می‌کند، رحم همه مادگان را تطهیر می‌کند و شیر را در پستان مادران پاک می‌سازد. (هینلز 1387: 38-39) اناهیتا با داشتن صفات نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الههٔ عشق درمی‌آید، زیرا چشمهٔ حیات از وجود او می‌جوشد و بدین گونه «مادرخدا» نیز می‌شود. به عنوان ایزد باروری، زنان در هنگام زایمان برای زایش خوب، و دختران برای یافتن شوهر مناسب، به درگاه وی استغاثه می‌کنند. (آموزگار 1387: 23 – 24)

وی الههٔ جنگاوری نیز هست؛ شاهان و سرداران سپاه برای پیروزی در نبرد به او رو می‌آورند. (بهار 1386ب: 477) او بارورکننده زهدان‌ها است و دشمن دیوان، جادوان و پری‌ها، اناهیتا شهریاری می‌بخشد، یاور انسان و بخشنده فره است. این الهه به اهورامزدا یاری می‌کند تا زرتشت به راه دین پیماید. او حامی مؤمنان و دشمن دیوپرستان است. (بهار 1386 الف: 395)

اناهیتا چهار اسب سفید دارد. اسب‌های او از ابر، باران، برف و تگرگ تشکیل شده‌اند. او از فراز ابرها، به فرمان اهورامزدا، باران و برف و تگرگ را فرومی‌باراند. اناهیتا، خدای محبوبی است و همیشه علاقه و احترام عمیق پیروان بسیاری را به خود جلب کرده است.

### تیشتر

تیشتر، در پهلوی به صورت Tir یا Tishtar، و در اوستایی Ti?trya است که همان تیر است. ایزد نگهبان باران و فرشته روزی و رزق است که از وجود او، زمین پاک از باران‌های به موقع برخوردار می‌شود و کشتزارها سیراب می‌گردند. (باحقی 1388: 261) «تیشتر نام ستاره‌ای بوده که منجمان قدیم آن را به عنوان شعرای یمانی می‌شناخته‌اند. طلوع این ستاره نیز نشانه باران بوده است.» (اسماعیل‌پور 1381: 81) تیشتر پیش‌نمونهٔ آب را به

شکل باران به سراسر جهان بخشید و اصل همه آب‌ها، سرچشمه باران و باروری به شمار می‌رود. در آغاز آفرینش، هنگام حمله اهریمن، نقش پراکندن و پخش کردن آب‌ها و دانه‌ها از طریق ابرها در جهان بر عهده او بوده است. او آب را به جهان هستی بارانید؛ بارانی که هر قطره آن به اندازه قدحی بود.

«شرح اسطوره تیشتر در متون ودایی به صورت تیشیه و در متون اوستایی به نام تیشتریه آمده است. یک یشت خاص، تیشتریش، در ستایش او سروده شده است. به علاوه، شرح اسطوره تیشتر در بندهش و زادسپرم آمده است.» (همان: 87) تیشتر نیروی نیکوکاران است که در نبردی جهانی با دیوی آپوشه<sup>1</sup> یا آپوش<sup>2</sup> درگیر شد. دیو آپوشه، دیو خشکی و تباہ‌کننده زندگی، آب را زندانی ساخت. تیشتر به یاری مینوی خرد و با همکاری ایزد باد، آب را به بالا راند و به یاری ایزد بُرز (پام‌نپات) و فروهر نیکوکاران و به یاری ایزد هوم و بهمن امشاسپند با این دیو جنگید. (رستگار فسایی 1383: 177؛ آموزگار 1387: 24؛ اسماعیل‌پور 1381: 87). تیشتر، هم ستاره بشکوه و درخشان است که تیرماه هر سال به وی تعلق دارد. مینوی خرد آن را اولین ستاره و بزرگ و نیک و ارجمند و فرهمند می‌خواند. (یشت‌ها 1370، ج 1: 336) مطابق روایات، تیشتر باران‌های سودمند تابستان را به همراه می‌آورد. این ایزد باران سه شکل دارد: وی نخست به مدت ده شبانه روز به صورت مرد جوان پانزده ساله، زیبا و بلندقامت، در دهه دوم به صورت گاو نری زرین‌شاخ، و در دهه سوم به صورت اسبی سفید، زرین‌گوش و با ساز و برگ زرین درمی‌آید. این داستان در بندهای 13 تا 41 تیشتریش آمده است.

در آغاز، وقتی که اهریمن و دیوانش به ضد اهورامزدا به ستیز درآمدند، ایزد تیشتر به یاری اهورامزدا برخاست تا باران ایجاد کند. وی برای اجرای عمل خویش، به سه شکل درآمد. نخست به شکل جوانی پانزده ساله به مدت ده روز و ده شب در آسمان پرواز کرد. از ابرها باران را به زمین فرستاد. هر قطره‌ای به اندازه تشتی شد تا آب به بلندی قامت مردی زمین را فراگرفت. جانوران موذی هلاک و در سوراخ‌های زمین غرق شدند. آن‌گاه مینوی باد وزیدن گرفت و آب را به زمین برد و از آن، دریای فراخکرد (اقیانوس) به وجود آمد. در ده شب و روز دوم، ایزد تیشتر به شکل گاو درآمد، در آسمان پرواز می‌کرد و باران را می‌بارانید. زمین آکنده از لاشه جانوران زیان‌بخش و زهرآگین شد و بوی عفونت آنها خاک را فراگرفت. برای اینکه زمین از زهر آنها شسته و پاک شود، تیشتر به شکل اسب سفیدی با سم بلند درآمد و به دریای فراخکرد فرورفت. در آنجا با رقیبش، دیو آپوش خشکسالی - که به صورت اسب سیاهی بود و گوش و دم سیاه و ظاهری ترسناک داشت - روبه‌رو شد. آنها با هم درگیر شدند. در آغاز، آپوش نیرومندتر بود. ایزد باران نتوانست با وی مقابله کند و شکست خورد و دیو خشکسالی او را هزار گام از دریای فراخکرد دور انداخت و خشکی و تشنگی بر زمین چیره شد. مردم فارس سرودی دارند که صحنه این نبرد را به تصویر کشیده است. (رستگار فسایی 1383: 178 -

۱. Apaosha

۲. Aposh

تیشتر برای پیروزی و رستگاری، از اهورامزدا یاری خواست. وی به آفریدگار جهان شکایت کرد که ناتوانی او از آن است که مردم نیایش‌ها و قربانی‌های شایسته برای او به جا نمی‌آورند. آن‌گاه آفریدگار، خود برای او قربانی کرد تا نیروی ده اسب، ده شتر، ده گاو نر، ده کوه و ده رود را بدو بخشید. بار دیگر، تیشتر به اپوش حمله کرد. چون برابر هم قرار گرفتند، دیو به هراس افتاد و به یک فرسخ دور گشت و گریخت. تیشتر او را هزار گام از دریا دور کرد. در این کارزار، او پیروز شد. پس آب را از دریا بر گرفت و به کشت‌ها، دشت‌ها و مرغزارها جاری کرد. هر قطره بزرگ آب به درشتی کله گاو و کله انسان، هر قطره کوچک به درشتی یک مشت و یک دست فرو بارید. در این بارندگی، دیوهای سپینچک<sup>3</sup> و دیو اپوش دوباره به ضد تیشتر کوشیدند. تیشتر آتش وازیشته<sup>4</sup> از گرز خود بر کشیده و سپینچک را هلاک نمود. از ضربت گرز، خروش بزرگی از نهاد سپینچک برخاست. این خروش همان صدای رعد است که هنوز پیش از بارندگی شنیده می‌شود. آن‌گاه تیشتر ده شبانه روز، باران فرو ریخت و همه زهر و زینبارگی‌ای که از جانوران موذی مانده بود، با آب در آمیخت و به دریا برد. از این رو، آب دریا شوریده شد. پس از اتمام مدت بارندگی، سه روز دیگر، باز باد ایزد برخاست و آب‌ها را به انتهای کره زمین برد. از این آب سه دریای بزرگ و بیست و سه دریای کوچک، دو چشمه و دو رود تشکیل شد. (هینلز 1387: 36-37؛ آموزگار 1387: 24-26؛ اسماعیل پور 1381: 87)

می‌گویند مدت جنگ بین تیشتر و اپوش سه شبانه روز طول کشید. این مدت پیش از بارندگی است. آن وقت، هوا تیره و گرفته شد، گاهی برق می‌زد و گاهی رعد می‌خروشید. این حالت ادامه یافت تا این که پری‌ها و تیشتر با هم درگیر شدند. در اوستا آمده است که آنها به صورت ستارگان دنباله‌دار در میان زمین و آسمان پراکنده و به دشمنی مشغول بودند تا سرانجام، پری‌ها شکست خوردند و تیشتر میوه و نعمت در زمین روان کرد (عرب گلپایگانی 1376: 70-71):

پس آن‌گاه تیشتر زیبا و آشتی‌بخش به سوی کشورها روی آورد تا آنها را از سالی خوش بهره‌مند کند. این چنین سرزمین‌های ایرانی از سالی خوش برخوردار شدند. (اوستا 1370: 331)

ستاره دنباله‌دار در ایران، از هجدهم مرداد تا بیستم آبان ماه در آسمان بسیار دیده می‌شود. پس از این مدت، سی روز تیشتر جلوه خواهد شد و فصل باران شروع می‌شود. برخی او را خدای شب می‌شناسند که در شب مردمان را مراقبت می‌کند. این ستاره در آخر تیر ماه طلوع می‌کند. طلوع او همزمان با تازش دوباره به چشمه آب است. آن‌گاه مردم باید گوسفندی یک‌رنگ را قربانی و بریان کنند، در ده شب نخستین، به پیکر مرد جوان پانزده ساله، در ده شب دوم به صورت گاوی نر و ده شب آخر به شکل اسب سفید در آسمان می‌درخشد. نبرد

با دیو پوش بر اساس همین تغییر شکل دوباره اتفاق می‌افتد. وی بزرگ‌ترین ستاره شرق آسمان و سرور همه ستارگان و حامی سرزمین آریایی است. صفاتی همچون سفید، درخشان، بلند نوردهنده به او نسبت داده می‌شود. (آموزگار 1387: 26؛ بهار 1386 الف: 62) تیشتر مورد احترام و ستایش است؛ چرا که وی فرشته باران است. همه گونه خوشی و خرمی از او است و روزی مناطق آریایی در مملکت کم‌آب و خشک و گرم ایران، باران و آب از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند به شمار است. (یشت‌ها 1370، ج 1: 331)

در اسطوره‌های ایرانی برای تیشتر کارکرد ضد اهریمنی نیز در نظر گرفته شده است. در کتاب گزیده‌های زادسپرم آمده است:

8. تیشتر، باد را به یاری خواست. «بهن» و «هوم» به راهنمایی و «برزآبان ناف» به همیاری، و «ردای فرود» برای پیمان‌داری با هم متحد شدند. [تیشتر] به سه پیکر گشت (= به سه شکل در آمد) که مردپیکر، گاو پیکر [و] اسب پیکر است. با هر پیکری (= شکلی)، ده شب در روشنی پرواز کرد و برای نابودی خرفستران (= جانداران زیان‌کار) سی شب باران فروبارانید.

9. و قطره‌های هریک [چون] تشت بزرگ بودند که [بدان] آب برکشیده شود. به وسیله آن [باران] همه‌ی خرفستران نابود شدند، جز اندکی از سوراخ‌زیان که در زمین اندر شدند.

10. پس مینوی باد به شکل مرد، در زمین پیدا شد، روشن، بلند و به آیین (= مطابق معمول) موزه‌ای (= کفشی) چوبین به پای داشت...

12. و آب را بغلتانید و به اطراف زمین افکند و در پای «فراخکرد» که یک سوم (سطح) این زمین را [در بر] دارد، از آن پدید آمد

....

14. پس، آن خرفستران مردند و زهرشان در زمین بیامیخت، برای از میان بردن آن زهر، تیشتر در دریا فرورفت و دیو پوش، به مقابله با او بتافت. (گزیده‌های زادسپرم 1366: 9)

«به هر حال اسطوره تیشتر نشان می‌دهد که ایرانیان از دیر باز به نبرد خوبی و بدی می‌اندیشیده‌اند و برای مبارزه با کم‌آبی و خشکسالی، اسطوره نبرد تیشتر و پوش دیو را پرورانده‌اند تا به نوعی ستایشگر ایزد-ستاره باران باشند.» (اسماعیل‌پور 1381: 93)

### ایزدان آب در اساطیر ویتنامی

طبق آمار محقق نگوین وان هین<sup>5</sup>، در اساطیر و باورهای شمال ویتنام حدود بیست و پنج ایزد آب نام برده شده است؛ درحالی‌که تعدادشان در واقع بیش از این است (Nguyễn Hữu Chinh ۲۰۰۹: ۹۰-۱۰۴). ویتنامی‌ها بر این باورند که هر رودی، دریایی و چشمه‌آبی، ایزدی دارد که بر آن فرمان می‌راند. ایزدان بیشتر به صورت اژدها، مار، تمساح و ... توصیف می‌شوند. در روایات کهن، ایزدان آب، هم سعادت و هم بلا برای انسان به بار می‌آورند. ایزد آب گاهی باران نیکبختی را بر دشت‌های برنج، باغ‌های میوه و ... می‌باراند و به انسان یاری می‌کند و گاهی نیز عصبانی می‌شود و انسان را تنبیه می‌کند. ویتنامی‌ها برای احترام به ایزد آب، لقب‌های

<sup>5</sup>. Nguyễn Văn Hiên

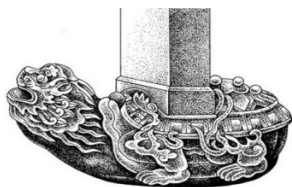


بسیاری به وی اختصاص داده‌اند؛ از جمله: تویی تان<sup>6</sup> به معنی ایزد آب؛ لانگ وونگ<sup>7</sup> یا تویی ته<sup>8</sup> به معنی پادشاه آب. (همان)

## اژدها

در فرهنگ ویتنامی، اژدها نماد قدرت، نیکبختی، آب و پاکی است. وی حیوانی مقدس و انتزاعی است. باران و اژدها معمولاً با هم ارتباط دارند. مطابق باور مردم این سرزمین، اژدها در آب زندگی می‌کند. سراسر زمستان خفته است و وقتی سرمای زمستان می‌گذرد و بهار شادمند و فرخنده فرامی‌رسد، او از خواب برمی‌خیزد. حضور او نماد فصل بارندگی، طراوت و تازگی است.

در اساطیر آمده است که اژدها هر از چندی ده تخم می‌گذارد، اما تنها از یک تخم، اژدها به دنیا می‌آید و از دیگر تخم‌ها، حیوانات دیگری با ویژگی‌های گوناگون به دنیا می‌آیند که همگی فرزند اژدها به‌شمار می‌روند و انتزاعی هستند. هر یکی از آنها وظیفه‌ای خاص بر عهده دارد. فرزند اول نامش «بی هی»<sup>9</sup> است که بدنش به شکل لاک‌پشتی سترگ، و سرش چون سر اژدها است. او بسیار قدرتمند است، معمولاً بار سنگین را به دوش می‌کشد؛ بنابراین، در معماری سنتی ویتنام، او را در حال بردن ستون‌های سنگین نقش کرده‌اند. (شکل 3-1)



شکل 3-1: بی هی

فرزند دوم اژدها، «لی ون»<sup>10</sup> یا «سی ون»<sup>11</sup> نامیده می‌شود. او حیوانی مقدس با دهانی بزرگ، سر اژدها و بدنی کوتاه است. می‌گویند او به دیدن و تماشای مناظر علاقه دارد و اشیا را از آتش‌سوزی حفظ می‌کند. از این رو، تصویر او با هدف دور کردن و محافظت از آتش‌سوزی در تزیین کاخ و معابد به کار رفته است. (شکل 3-3)

<sup>9</sup>. Thủy Thần

<sup>10</sup>. Long Vương

<sup>11</sup>. Thủy Tê

<sup>12</sup>. Bi H?

<sup>13</sup>. Ly Văn

<sup>14</sup>. Si Văn



شکل 3-2: لی ون

فرزند سوم اژدها، «بو لوآ»<sup>12</sup> است. وی صدای بلند را دوست دارد؛ به این دلیل، تصویر او را روی زنگ حک کرده‌اند، به این نیت که زنگ با این نماد، بهترین صدا را خواهد داشت. (شکل 3-3)



شکل 3-3: بو لوآ

«به نن»<sup>13</sup> فرزند چهارم اژدها است. او همچون ببر، دندان‌های بلند و تیزی دارد و قدرتمندی نشان او است. مطابق روایتی کهن، چون او حافظ عدالت و مخالف ظلم و ستم است، مجسمه‌اش را در جلوی دادگاه‌ها و مکان‌های اعدام نصب می‌کنند. حضورش در آنجا به مردم یادآوری می‌کند که همیشه باید درست زندگی کنند و از جاده عدل و انصاف خارج نشوند. (شکل 4-3)



شکل 4-3: به نن

<sup>۱۲</sup>. Bò Loa  
<sup>۱۳</sup>. Bè Ngạn

فرزند پنجم اژدها، «تای تیت»<sup>14</sup> نام دارد. وی چشم‌های باز و روشن و دهانی بزرگ دارد. ظاهرش شگفت‌انگیز است. موجودی است که علاقه زیادی به غذا دارد و پرخور معرفی شده است؛ بنابراین، تصویر «تای تیت» روی ظروف و ابزار غذا نقش می‌بندد. حضورش به معنی این است که مردم در هنگام خوردن غذا باید آیین غذا خوردن را رعایت کنند. (شکل 3-5)



شکل 3-5: تای تیت

فرزند ششم اژدها، «کونگ فوک»<sup>15</sup> است. او حیوانی مقدس و دوست‌داشتنی است. از آنجا که تمایل زیادی به آب دارد، مجسمه وی با هدف پاسبانی و نگهداری آب بر روی پل‌ها، سدها، کشتی‌ها و قایق‌ها نصب می‌شود. (شکل 3-6)



شکل 3-6: کونگ فوک

«نای سه»<sup>16</sup> فرزند هفتم اژدها است. جنگجو و عصبی است و میل به کشتن دارد؛ به این دلیل، او را روی سلاحی مانند شمشیر، گرز، چکش و ... حکاکی می‌کنند تا نیروی شجاعت و قدرت را در پهلوان‌ها افزایش دهد. (شکل 3-7)



شکل 3-7: نای سه

فرزند هشتم اژدها، «تای نه»<sup>17</sup> یا «کیم نه»<sup>18</sup> نامیده می‌شود. او حیوانی مقدس با سر اژدها، تن شیر، آرام و دوست‌داشتنی توصیف می‌شود. او پیوسته دود عود را تماشا می‌کند؛ از این رو بر آتشدان عود تصویر می‌شود، با این نیت که همیشه عود بوی خوش پراکنده سازد. (شکل 3-8)



شکل 3-8: کیم نه

آخرین فرزند اژدها را، «تیو دو»<sup>19</sup> می‌خوانند. او تنبل است و دوست دارد بخوابد. از ورود غریبه‌ها و افراد بیگانه به قلمرو خویش بیزار است. تصویر او را در دستگیره در با منظور محافظت صاحب خانه می‌سازند. (شکل 3-9)



شکل 3-9: تیو دو

در کنار این نُه فرزند، بعضی می‌گویند در خانواده اژدها، سه حیوان مقدس دیگر هم وجود دارد، مانند «تو نو»<sup>20</sup> که عالم موسیقی است، یا «ترای فانگ»<sup>21</sup> که او را بر بام خانه نصب می‌کنند تا از آتش‌سوزی و ورود آدم‌های بد جلوگیری کند یا «فو هی»<sup>22</sup> که در گورستان‌ها برای محافظت از قبور نصب می‌شود. (Nguyễn Ngọc, ۲۰۰۷: ۹-۲۰). (Thor

<sup>۱۷</sup>. Toan Nghê

۲. Kim Nghê

<sup>۱۹</sup>. Tiêu Đồ  
<sup>۲۰</sup>. Tù Ngu

۲. Trào Phong

<sup>۲۲</sup>. Phụ Hí

چنان‌که گفته شد اژدها ایزد آب است. در بین تخم‌هایی که اژدها می‌گذارد، تنها از تخم اول، اژدها به دنیا می‌آید و تنها او می‌تواند باران از ابرها بیاورد. در برخی روایات آمده است که وقتی فرزندهای اژدها با هم می‌جنگند، باران شدیدی می‌بارد. هرگاه این نبرد به پایان رسد و آنها از یکدیگر دور شوند، بارندگی هم تمام می‌شود. از این رو، مردم این سرزمین اعتقاد دارند اگر اژدها در آسمان پدیدار شود، باران می‌آید. اژدها در این اسطوره وظیفه دارد بارندگی را برای دشت‌ها و کشت‌ها و باغ‌ها تنظیم کند. وی سرچشمه آرامش، آبادی، سعادت و خوش‌بختی است؛ بنابراین، مردم به امید بارش باران، پیکر اژدها را به تصویر می‌کشند یا تندیس آن را می‌سازند. در تصویرها، معمولاً اژدهایی دیده می‌شود که در دهانش یک گوهر دارد. برخی می‌گویند این گوهر نماد ابر و برق و رعد است و به نظر برخی دیگر نماد انسانیت، عفت، پاکدامنی و معرفت است. (شکل 3-10)



شکل 3-10: اژدها و گوهر در دهان

با آغاز بهار، مردم عروسک اژدها را در مراسم مختلف همراه دارند و با این کار آرزوی فصلی پر ثمر برای کشت و برداشت محصول دارند. (Bùi Hồng Vạn: Dân Gian: Con rồng trong đêm trung thu)

### لک لانگ گوان (Lạc Long Quân)

در میان داستان‌های مختلف درباره ایزد آب، لازم است به داستان «لک لانگ گوان» و «او کا»<sup>23</sup> توجه خاص شود. این روایت سینه به سینه در میان ویتنامی‌ها نقل شده است. در زمان‌های دور، در سرزمین «لینه نم»<sup>24</sup>، فرمانده‌ای به نام «لوک توک»<sup>25</sup> و لقب «کینه زونک وونگ»<sup>26</sup> وجود داشت. او بسیار نیرومند بود و می‌توانست درون آب راه برود. روزی که به غار «دونگ دینه»<sup>27</sup> سفر کرده بود، با دختر پادشاه آب (ایزد آب) آشنا شد. هر دو عاشق یکدیگر شدند و طولی نکشید که با هم ازدواج کردند. آنها پسری به دنیا آوردند و نامش را «سونگ لم»<sup>28</sup> گذاشتند. وقتی پسر بزرگ شد، آنقدر قوی و قدرتمند گردید که با یک دست می‌توانست سنگی بزرگ به طول دو نفر را بالا ببرد. او مانند پدر خویش، به راحتی بدون هیچ آسیبی به درون آب می‌رفت. هنگامی که به سن بلوغ رسید، تاج و تخت پدر را به ارث برد و لقب «لک لانگ گوان» برای خود انتخاب کرد. می‌گویند آن

<sup>23</sup>. Lạc Long Quân và Âu Cơ

۲. Lĩnh Nam

<sup>24</sup>. Lộc Tục

۴. Kinh Dương Vương

<sup>25</sup>. Động Đình

۶. Sùng L?m

وقت، سرزمین «لینه نم» هنوز کم جمعیت بود و جاهای بسیاری وجود داشت که هیچ کسی در آن قدم نهاده بود. «لک لانگ گوان» روزی تصمیم گرفت کل قلمروی خود را ببیند و به همه جای آن سفر کند. در میان سفر خود، برای ایجاد رفاه و آرامش مردم سرزمین خویش، دیو ماهی، دیو روباه و دیو درخت را از بین برد. همچنین چون دید مردم باز هم به سختی زندگی می کنند و چیزی برای رفاه زندگی ندارند، نحوه کاشتن برنج، ساختن خانه، بافندگی و... را به آنها یاد داد. مردم برای سپاسگزاری از وی، قلعه‌ای بزرگ و باشکوه در بالای کوهی برای او ساختند، ولی «لک لانگ گوان» از ماندن در آنجا سرباز زد. او کشور مادری اش، یعنی سرزمین آب و زندگی زیر دریا را ترجیح می داد. لک لانگ گوان پیش از ترک سرزمین این مردم، به آنها گفت که اگر اتفاق بدی افتاد، مرا صدا کنید، فوراً بر می گردم.

مدت‌ها گذشت، تا اینکه از سوی شمال، پادشاه «ده لای»<sup>29</sup> همراه با دختر عزیزش و سپاهی مملو از هزاران سرباز به جنوب آمد. وقتی که به سرزمین «لینه نم» رسید، آن سرزمین جنوبی را بسیار زیبا و دلربا یافت و شیفته ماندن و اقامت در آنجا شد. پس دستور داد مردم برای سکونت خود قلعه‌ها بسازند. کار قلعه‌سازی سربازان پادشاه، مردم منطقه را دچار سختی و زحمت فراوانی کرد؛ پس «لک لانگ گوان» را به یاری خواندند و همه ماجرا را برایش تعریف کردند. «لک لانگ گوان» پس از شنیدن داستان، به شکل مردی جوان و زیبا درآمد و با صدها پیشخدمت همراهش به کاخ «ده لای» وارد شد. پادشاه «ده لای» به گردش در اطراف این سرزمین و تماشای نقاط زیبا و دیدنی آن رفته بود، اما دختر زیبارو و خوش اندام او به نام «اوکا»<sup>30</sup> به همراه تعدادی سرباز و خدمتکار در کاخ حاضر بودند. «اوکا» و «لک لانگ گوان» عاشق یکدیگر شدند و با هم ازدواج کردند و به قلعه «لک لانگ گوان»، بالای کوه رفتند. وقتی «اوکا» حامله شد، یک بسته شامل صد تخم به دنیا آورد. وقتی که تخم‌ها شکسته شدند، از هر تخمی، پسری بیرون آمد. چون دل «لک لانگ گوان» برای دریا تنگ شد، به شکل ازدها درآمد و به سمت دریای شرق پرواز کرد. زمان‌ها گذشت، اما لک لانگ گوان نیامد تا روزی «اوکا» بالای کوه رفت و همسرش را صدا زد. بی درنگ، «لک لانگ گوان» روبه‌رویش ظاهر شد. اوکا با دیدن او شروع به گریه کرد و لب به شکایت گشود. «لک لانگ گوان» با آرامی به او گفت: «من از نژاد ازدها هستم و در دریا زندگی می‌کنم. تو از نژاد پری هستی و عادت داری در کوه‌ها و دشت‌ها بمانی. ما نمی‌توانیم همیشه با هم زندگی کنیم. اکنون تصمیم گرفتم، پنجاه پسر را با خودم به مناطق دریایی ببرم. پنجاه پسر دیگر را تو با خود به کوه‌ها ببر. به این ترتیب، تعدادی در دریا زندگی می‌کنند و تعدادی دیگر در کوه. اگر اتفاقی افتاد، خبر دهید و به یاری یکدیگر بیایید. پیمان امروز را فراموش مکن.» بعد از آن، لک لانگ گوان با «اوکا» خداحافظی کرد. پسرانشان به همه جا رفتند. آنها اجداد قوم ویت به شمار می‌آیند.

<sup>29</sup>. Dé Lai

<sup>30</sup>. Âu Cơ

در اینجا باید چند نکته توضیح داده شود. در باور ویتنامی‌ها، ایزدان آب در زیر آب زندگی می‌کنند. قلمروشان همان جا است و در عین حال می‌توانند به همه موجودات در آب فرمان بدهند. آب، باران، دریا، رودخانه، دریاچه و هرچه نسبت به آب دارد، زیر فرماندهی آنها عمل می‌کند.

(Lê Văn Huru, Phan Phú Tiên, Ngô Sỹ Liên, ۱۹۹۳: p ۱; Quỳnh Cư và Đỗ Đức Hùng, ۲۰۰۱)

### سان تینه (Son Tinh) و تویی تینه (Thủy Tinh)

روایت دیگر درباره ایزد آب، داستان سان تینه<sup>31</sup> و تویی تینه<sup>32</sup> است. داستان چنین است که پادشاه «هونگ وونگ»<sup>33</sup> هیجدهم، دختری بسیار زیبا به نام «می نونگ»<sup>34</sup> داشت. پادشاه همیشه می‌خواست بهترین همسر را برای دخترش انتخاب کند. روزی، دو پسر جوان، زیبا، بلندقامت و خردمند به خواستگاری «می نونگ» آمدند. یکی ایزد کوهستان بود که مردم وی را «سان تینه» می‌خواندند و دیگری «تویی تینه» ایزد آب بود. «هونگ وونگ» بسیار مردد بود و نمی‌دانست کدام پسر را بپذیرد. پس او با بزرگان دربار خود مشورت کرد. بزرگان به پادشاه پیشنهاد دادند که از دو جوان، تجهیزات عروسی بگیرد. صبح روز بعد، «هونگ وونگ» به دو جوان گفت: «فردا صد سینی برنج، صد «بانگ چونگ»<sup>35(1)</sup>، یک فیل نُه عاج، یک خروس نُه مهمیز (سیخ)دار، یک اسب با نُه رنگ موی را بیاورید. هر کس بتواند زودتر این چیزها را بیاورد، دخترم با او ازدواج خواهد کرد.» دو ایزد فوراً به قلمرو خویش برگشتند تا خواسته‌های پادشاه را فراهم کنند.

«تویی تینه» چون دیرتر بازگشت و نتوانست با شاهزاده‌خانم ازدواج کند، بسیار عصبانی شد. سیل و توفان وحشتناکی ایجاد کرد تا به «سان تینه» حمله کند و «می نونگ» را بدزدد. «سان تینه» با آرامش روحی تمام، سیل و توفان را بازداشت. نبرد بین ایزد کوه و ایزد آب چند ماه طول کشید، تا سرانجام «تویی تینه» دچار ضعف و درماندگی شد. ناچار با سپاه خویش به قلمرو خود بازگشت، ولی هرگز این کینه و دشمنی را از یاد نبرد و پیوسته می‌خواست «می نونگ» را بدزد؛ از این رو، هر سال، با تجهیز سپاه به جنگ سان تینه می‌رود.

(vnthuquan.net: Cổ tích Việt Nam: Sơn Tinh, Thủy Tinh)

### «موی تایی» (Mẫu Thoải)

«تای» در واقع «تویی» به معنی آب، و «موی» یعنی مادر است. او مدیریت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دریاچه‌ها را بر عهده دارد و به باور ویتنامی‌ها، همیشه انسان‌ها را یاری می‌کند تا بدون مشکل و خطر از رودخانه‌ها بگذرند؛ او یاریگر است. هنگامی که دنیا دچار خشکسالی می‌شود، «موی تایی» به زیردستانش دستور می‌دهد باران را بباراند و هر وقت سیل و توفان زندگی انسان را به خطر می‌اندازد، «موی تایی» می‌آید و آن را برطرف می‌کند.

<sup>31</sup>. Sơn Tinh

<sup>۲</sup>. Thủy Tinh

<sup>33</sup>. Hùng Vương

<sup>۴</sup>. Mỵ Nương

<sup>35</sup>. Bánh chưng

افزون بر این، او از موجودات عجیب و غریب در کشور آب نگهداری می‌کند و مانع کارهای بد آنها می‌شود. وی در تصور ویتنامی‌ها، مادری مهربان و دلسوز و فداکار است. خدا قدرت و توانایی بازرسی آب را به او بخشیده است. وی همسر ایزد آب و ملکه قلمرو او است. اگر ایزد آب دریاها را فرماندهی می‌کند، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در فرمان او هستند.

در برخی روایت‌ها آمده است که «موی تای» یک نفر نیست، بلکه نام سه نفر است و آنها دختران «لک لانگ گوان» و «اوکا» هستند. خود «لک لانگ گوان» بین بچه‌های خود، سه نفرشان را انتخاب کرد تا کارها را در کشور آب مدیریت کنند. آنها به ترتیب «تویی تینه دونگ دینگ ناک نو کُنگ چو»<sup>36</sup>، «هانگ با داین خیت فو گون»<sup>37</sup> و «تم زیانگ کونگ چو»<sup>38</sup> نام دارند. این سه ایزد، به ویتنامی‌ها شیوه ساختن کشتی برای صید ماهی و بافتن تور را می‌آموزند و فرمانروایی‌شان بر باد و آب امری غیرقابل انکار است.

«موی تای» نه تنها در میان مردم ویتنامی قدیم ستایش می‌شده و جایگاه خاصی داشته است، در بین ویتنامی‌های نسل امروز نیز محبوبیت ویژه‌ای دارد و داستان وی نسل به نسل منتقل می‌شود.

## ایزد باران

ایزد باران یکی از ایزدان مهم ویتنام به شمار می‌رود؛ زیرا برای کشت برنج، آب عنصری حیاتی است. اگر باران به اندازه کافی ببارد، محصول فراوان می‌شود و زندگی رونق می‌گیرد. در غیر این صورت مقدار بیش از حد یا کم آن، زندگی مردم را به خطر می‌اندازد. ایزد باران معمولاً شکل اژدها دارد و وظیفه‌اش این است که آب را از دریاها، رودها، برکه‌ها و ... بگیرد و در شکمش نگه دارد، سپس آن را به خاک‌های زمین فروبرد. خداوند او را مأمور این کار کرده است. وی به دستور خدا، بر همه دنیا باران می‌باراند تا درختان و همه موجودات در جهان بارور شوند. این کار بسیار سخت و سنگین است و نیاز به دقت و سخت‌کوشی زیادی دارد؛ اما ایزد باران به این مسأله توجه ندارد و همیشه فراموش می‌کند در همه جا باران بباراند؛ از این رو بعضی مناطق جهان پیوسته دچار خشکسالی هستند.

در منابع آمده است که از آنجا که کار ایزد باران بسیار سخت بود و نمی‌توانست به همه آنها رسیدگی کند، خدا بین موجودات آبی مسابقه‌ای ترتیب داد تا از میان آنها بهترین‌شان انتخاب شوند و پس از اینکه بدنشان به اژدها تبدیل شد، به ایزد باران کمک کنند. محل برگزاری این مسابقه را نیز «وو مون»<sup>(2)39</sup> قرار داد. این مسابقه به نام «تی رونگ»<sup>40</sup> یعنی امتحان اژدها معروف شد.

<sup>36</sup>. Thủy tinh Động đĩnh Ngọc nữ Công chúa

<sup>37</sup>. Hồng Bà Đoàn Khiết Phu Nhân

<sup>38</sup>. Tam Giang Công Chúa

<sup>39</sup>. Vũ Môn



زمانی که فراخوان مسابقه خدا به قلمرو آب رسید، خدای آب همه موجودات آنجا را آگاه کرد و یکی از بزرگان دربار خود را به عنوان داور انتخاب کرد. این مسابقه سه مرحله داشت. در هر مرحله داوطلب‌ها باید از یک موج عظیم عبور می‌کردند. هر کس می‌توانست هر سه مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد، به اژدها تبدیل می‌شد. در طول یک ماه، انواع حیوانات آبی در این مسابقه شرکت کردند. همگی تمام توان خود را نشان دادند تا از موانع عبور کنند، ولی بیشتر آنها شکست خوردند. ماهی رو<sup>41(3)</sup> توانست موج اول را پشت سر بگذارد، ولی در موج دوم بازماند. میگو در دو مرحله قبول شد. بنابراین، روده، جگر، پولک، سیل و دُمش تقریباً به اژدها تبدیل شد، ولی در مرحله سوم، سرنگون شد و افتاد؛ به همین دلیل پشتش کج شد. میگو نیز مانند دوستش شکست خورد. وقتی نوبت به ماهی کپور رسید، باد به شدت می‌وزید، ابر همه آسمان را فراگرفته بود. ماهی کپور سه مرحله مسابقه را با موفقیت طی کرد و به داخل «وو مون» رفت. ماهی قبول شد؛ پس پره، دُم، سیل و شاخ به بدنش اضافه شد و به شکل اژدها درآمد و باران را آورد. مردم ویتنام ترانه‌ای با مضمون رسیدن به سعادت و خوشبختی دارند که تلمیحی به همین داستان دارد:

دختر باشخصیت که با مرد باهوش ازدواج می‌کند، مانند ماهی است که از «وو مون» می‌گذرد و به اژدها تبدیل می‌شود. (Trần Tuấn Kiệt ۲۰۱۰: ۲۶)

با توجه به آنچه گفته شد، خدایان آب را در اساطیر ویتنام، می‌توان از نظر نوع به دو گروه تقسیم کرد:

1- گروهی که منشأ آسمانی دارند، مانند «تویی تینه»

2- گروهی که منشأ وجودشان، موجودات طبیعی است، مانند اژدها.

اولین گروهی که در این نسل بررسی می‌شود، گروهی است که از نظر نوعی، ریشه و منشأ اصلی آنها از طبیعت است. سردسته آنها اژدها است. درست است که اژدها حیوانی غیرواقعی و انتزاعی است، اما تصویر او نشان می‌دهد که احتمالاً در گذشته موجودی طبیعی مانند مار یا تمساح بوده است. ویتنامی‌ها اغلب با این نوع حیوانات در زندگی روزمره برخورد می‌کردند و تصویری را که از آنها در ذهنشان نقش می‌بست، با تخیل خود و دادن ویژگی‌های انسانی به آنها، در هم می‌آمیختند و قدرتی مافوق تصور برایشان قائل می‌شدند.

گروه دوم خدایان، که از آغاز پیدایش تمدن ویتنامی‌ها وجود داشتند، آنهایی هستند که وجودی آسمانی آمیخته با ویژگی‌های انسانی دارند؛ یعنی بی‌شک صفات مادی در ذاتشان وجود دارد. هر چند وجودی مافوق طبیعی دارند، و هیچ انسانی نمی‌تواند کارهایی را که آنها انجام می‌دهند، انجام دهد. این قدرت به دلیل صفت آسمانی‌شان است؛ اما گاهی آنها از انسان عصبانی می‌شوند تا جایی که ممکن است به انسان صدمه بزنند. برای نمونه «تویی تینه» با بارش فراوان و روان کردن سیل، گاه به انسان آسیب می‌رساند و یا خدای باران، گاهی باراندن باران را فراموش می‌کند. در این زمینه خدایان ویتنام به خدایان اساطیر یونان شبیه می‌شوند، هر چند

پیچیدگی داستانی آنها را ندارند و از این نظر قابل قیاس با داستان‌های یونانی نیستند؛ چرا که ساختار داستان‌های ویتنامی معمولاً ساده و کوتاه است و بیشتر برای توضیح علت یک پدیده یا یک رسم شکل گرفته‌اند.

## نتیجه

با توجه به مقایسه خدایان آب در دو فرهنگ ایرانی و ویتنامی چند نکته قابل توجه است: اول اینکه وظیفه اصلی همه خدایان آب در هر دو فرهنگ نگهداری آب است؛ اما در کنار این وظیفه، به باور ایرانیان باستان، برخی از ایزدان کارهای دیگری هم انجام می‌دهند. چنان‌که ایزدانوی آنهایتا مسئولیت ازدواج و عشق بی‌آلایشی را -که موجب تشکیل خانواده می‌شود- برعهده می‌گیرد. ایزدان آب ایرانیان باستان، قدرتی بی‌نظیر و بی‌همتا دارند. صفات آنها مطلق و یک‌سویه است؛ به این معنی که صفات زمینی و مادی و انسانی در ذاتشان وجود ندارد و اخلاقشان، اخلاقی یک‌بغدی و فرشته‌گونه است. آنها در نبرد بزرگ با اهریمن و پیروانش، از خود قدرتی بی‌نظیر نشان می‌دهند. آنها هر کاری که موجب راندن بدی، تاریکی و محافظت از روشنی، زندگی و هستی باشد، برای انسان انجام می‌دهند؛ بنابراین با توجه به چنین تصویری از ایزدان، طبیعی است شخص هنگام رویارویی با مشکلات، از آنها یاری جوید و همیشه آنها را ستایش و تقدیس کند. در اسطوره ویتنامی، صفت خدایی یا بهتر بگوییم صفات فرشته‌گونه در وجود خدایان کمتر است؛ هرچند همچون خدایان ایرانی فوق طبیعی‌اند. صفات آنها مطلق و یک‌سویه نیست. به نظر می‌رسد در میان داستان‌های خدایان آب، داستان تیشتر و داستان «لک لانگ گون» و به‌ویژه داستان «سان تینه و تویی تینه» بیشتر بیانگر آرزوها و خواسته‌های دو ملت بزرگ ایران و ویتنام قدیم بوده است. نبرد تیشتر و دیو خشکسالی در واقع بیانی از آرزوهای ایرانیان است. خشکسالی مشکلی است که از گذشته‌های دور سالانه مناطقی از ایران را دربرمی‌گرفته است؛ بنابراین برای سرزمینی که با خشکسالی و به تبع آن قحطی دست و پنجه نرم می‌کند، آب و باران از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند به شمار می‌رود؛ در نتیجه، تیشتر ایزدی شایسته و عزیز است.

همچنین لک لانگ گون - خدای آب و پدر قوم ویت - در واقع نماد ویتنامی‌ها در مقابل طبیعت است که او را نماد انسان می‌دانند. هر قومی و هر انسانی وقتی می‌خواهد یک زندگی برای خود بسازد، مجبور است با محیط جدید آشنا بشود. در آغاز زندگی بشر هر پدیده طبیعی برای او در حکم امری غیر عادی و پر رمز و راز تلقی می‌شد، اما انسان توانست به تدریج با کار و تلاش راز بسیاری از آنها را کشف کرده، نیروهای ناشناخته طبیعت را در زیر سلطه خود درآورد. بدین ترتیب در اغلب موارد، دیگر طبیعت به خواسته انسان عمل می‌کرد. برای مردم کشوری گرمسیری و دارای پیشه کشاورزی که برنج آبی، گیاه عمده و اصلی زندگی‌شان به شمار می‌رود، آب و باران مناسب، یکی از آرزوهای بزرگ و مهم به شمار می‌رود؛ به همین دلیل، آب و باران را شایسته و عزیز می‌شمارند. از سوی دیگر، با تغییر آب و هوا، ویتنامی‌ها سالانه با سیل‌های وحشتناک روبه‌رو می‌شوند و قدرت خسارت آب را نیز می‌بینند. آنها پیوسته برای حفظ کشت‌های برنج و باغ و اموال خویش، در برابر سیل مقاومت می‌کنند و هرگز خسته نمی‌شوند. از این رو، خدای آب برای ویتنامی‌ها هم عزیز است و هم هولناک.

## پی نوشت

(1) بانگ چونگ، نوع کیک سنتی ویتنام است. معمولاً در سال نو ویتنام (تت - têt) پخته می‌شود. این کیک مربع شکل از برنج چسبیده، ماش، گوشت و پیازچه درست می‌شود. بیرونش لایه‌های برگ است که همه مواد را می‌پوشاند. «بانگ



چونگ» نماد زمین است.

(2) «وو مون» (Vũ Môn) امروز جزء استان «ها تینگ» (Hà Tĩnh)، واقع در مرکز ویتنام است.

(3) رو (rô) نوعی ماهی است که می‌تواند مدتی طولانی بیرون آب زندگی کند و حتی به بالای درخت برود.



## کتابنامه

- آموزگار، ژاله. 1387. *تاریخ اساطیر ایران*. چ 1. تهران: سمت.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. 1381. «تیرما، سیزه شو» (جشن تیرگان و اسطوره تیشتر). *نامه علوم انسانی*. دوره 1. ش 1. اوستا. 1370. جلیل دوستخواه. چ 1. تهران: مروارید.
- بهار، مهرداد. 1386 الف. *ادیان آسیایی*. چ 6. تهران: چشمه.
- \_\_\_\_\_ . 1386 ب. *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ 6. تهران: آگه.
- رستگار فسایی، منصور. 1383. *بیکرگردانی در اساطیر*. چ 1. تهران: سمت.
- ستاری، جلال. 1385. *جهان اسطوره‌شناسی: اسطوره ایرانی*. چ 10. تهران: مرکز.
- عرب گلپایگانی، عصمت. 1376. *اساطیر ایران باستان: جُنگی از اسطوره‌ها و اعتقادات در ایران باستان*. چ 1. تهران: هیرمند.
- گزیده‌های زادسپرم. 1366. ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گویری، سوزان. 1372. *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*. تهران: جمال حق.
- مقدم، محمد. 1380. *جستار درباره مهر و ناهید*. چ 1. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- هینلز، جان. 1387. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ 3. تهران: چشمه.
- یاحقی، محمد جعفر. 1388. *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. چ 2. تهران: فرهنگ معاصر.
- یشت‌ها. 1370. تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود. به کوشش بهرام فره‌وشی. چ 1. تهران: دانشگاه تهران.

## منابع ویتنامی

Bùi, Hồng Vạn. ۲۰۰۸. *Con rồng trong đêm trung thu*; Dân gian, ۰۸/۱۷/۲۰۰۸.  
Nguyễn, Hữu chính. ۲۰۰۹. “Truyện thuyết dân gian xứ Bắc về các thần tự nhiên”  
Nguyễn, Ngọc Thơ. ۲۰۰۷. “۹ con của rồng”; báo Tuổi Trẻ: Thứ Năm.  
Lê, Văn Hưu, Phan Ph? Tiên. ۱۹۹۳. *Ngô Sỹ Liên; Việt sử k? toàn thư*.  
Trần, Tuấn Kiệt và Nhiên Thủy; *Đại Việt Thần Đạo*; London: Nxb: không xác định, ۲۰۱۰.  
vnthuquan.net: Cổ tích Việt Nam: Sơn Tinh, Thủy Tinh

## References

- Āmouzgār, zhāleh. (۲۰۰۸/۱۳۸۷H). *Tārikh-e asātir-e Iran*. Tehran: Samt.
- 'Arab Golpāyegāni, 'Esmat. (۱۹۹۷/۱۳۷۶H). *Asātir-e Iran-e bāstān: jongi az ostoure-hā va e'teghādāt-e Iran-e bāstān*. ۱<sup>st</sup> ed. Tehran: Hirmand.
- Avestā*. (۱۹۹۱/۱۳۷۰H). ed. by Jalil Doustkhāh. ۱<sup>st</sup> ed. Tehran: Morvārid.
- Bahār, Mehrdād. (۲۰۰۷/۱۳۸۶H) a. *Pazhouheshi dar Asātir-e Iran*. ۶<sup>th</sup> ed. Tehran: Āgah.
- (۲۰۰۷/۱۳۸۶H) b. *Adiān-e Asiāei (The Asian religions)* ۶<sup>th</sup> ed. Tehran: chshmeH.
- Esmā'eelpour, Abo-lghāsem. (۲۰۰۲/۱۳۸۱H). "Tir mā, sizzeh show" (*Jashn-e Tir-gān va ostoure-ye Tishtar*) (*Tirgān celebration and the myth of Tishtar*). Nāme-ye 'Oloum-e ensani Journal. No. ۱
- Gaviri, Susan. (۱۹۹۳/۱۳۷۲H). *Ānāhitā dar ostoure-hā-ye Irani (Anahita in the ancient Iranian mythology)*. Tehran: Jamāl-e Hagh.
- Gozide-hā-ye zādesparam*. (۱۹۸۷/۱۳۶۶H). tr. By Mohammad Taghi Rāshed Mohassel. Tehran: Moasese-ye motale'āt va tahghighāt-e farhangi.
- Jouhn Russel Hinnells. (۲۰۰۸/۱۳۸۷H). *Shenākht-e asātir-e Iran (Persian mythology)*. Tr. By Zhāleh Āmouzgār & Ahmad Tafazzoli. ۳<sup>rd</sup> ed. Tehran: cheshmeh.
- Moghaddam, Mohammad. (۲۰۰۱/۱۳۸۰H). *Jostar darbare-ye Mehr va Nāhid*. ۱<sup>st</sup> ed. Tehran: Markaz-e Irani-e motāle'e-ye farhang-hā.
- Rastegār Fasāei, Mansour. (۲۰۰۴/۱۳۸۳H). *Peikargardāni dar asātir*. ۶<sup>th</sup> ed. Tehran: Agāh.
- Sattāri, Jalāl. (۲۰۰۶/۱۳۸۵H). *Jahān-e ostoure shenāsi: ostoure-ye Irani*. Vol. ۱۰. ۱<sup>st</sup> ed. Tehrān: Markaz.
- Yāhaghi, M. Ja'far. (۲۰۰۹/۱۳۸۸H). *Farhang-e asātir va dāstānvāre-hā dar adabiāt-e fārsi*. ۳<sup>nd</sup> ed. Tehran: Farhang-e Mo'aser.
- Yasht-hā*. (۱۹۹۱/۱۳۷۰H). Explanation by Ebrahim Pourdāvood. With the efforts of Bahram Frahvashi. Vol. ۱. Tehran: University of Tehran.
- Vietnamese references**
- Bùi, Hồng Vạn. ۲۰۰۸. *Con rồng trong đêm trung thu*; Dân gian, ۰۸/۱۱/۲۰۰۸.
- Nguyễn, Hựu Chính. ۲۰۰۹. "Truyện thuyết dân gian xứ Bắc về c?c thần tự nhiên"
- Nguyễn, Ngọc Thơ. ۲۰۰۷. "9 con của rồng"; *b?o Tuổi Trẻ: Thứ Năm*.
- Lê, Văn Hữu, Phan Ph? Tiên. ۱۹۹۳. *Ngô Sỹ Liên; Đại Việt sử k? toàn thư*.
- Trần, Tuấn Kiệt và Nhiên ۲۰۱۰. *Thùy. Đại Việt Thần Đạo*. London: Nxb: không x?c định.